

توضیحی کوتاه در باره ماده ۶ قرار داد دریای ساحلی ۲۹ آوریل ۱۹۵۸ ژنو (۱)

**Commentaire explicatif de l'article 6 de la convention**

du 29 avril 1958 de Genève

خواننده عزیز، مؤلفین حقوق بین الملل عمومی معمولاً ماده ۶ قرار داد دریای ساحلی ۱۹۵۸ ژنو را بعنوان روشی ناظر بر تحدید حد خارجی دریای ساحلی مینگرند و بس. بنظر نگارنده این بی‌اعتنائی ناشی از عدم توجه به نتایج حیرت انگیزی است که بر این ماده مترتب میشود و این امر بسیاری از مواد دیگر قرار داد مورد بحث را تحت الشعاع خود قرار میدهد. برخورد با همین نتایج بارور بود که نگارنده را چندی پیش بر آن داشت تا نظریات خاصی را راجع به حدجانبی دریای ساحلی و فلات قاره در کتاب کوچکی بنام "خط منصف و اصل تقابل" منتشر سازد. چند روزی از تاریخ انتشار این کتاب بیش نگذشته بود که دانشجویی بملاقات من آمد و اظهار داشت: "استاد عزیز من از آنچه در کتاب شما راجع به ماده ۶ قرار داد دریای ساحلی ۱۹۵۸ آمده است درست سر در نیآورم. لطفاً اگر ممکن است در این باره توضیح بیشتر و مخصوصاً "روشنتری بدهید."

با چند دقیقه توضیح و ترسیم چند شکل مشکل دانشجوی بکلی مرتفع گردید ولی زبان او کوتاه نشد و نامبرده بسخن خود چنین ادامه داد: "اگر توضیحات شما بهمان صورتی که امروز داده شد در کتاب شما هم وجود داشت من امروز مزاحم شما نمیشدم. آیا اجازه میدهید که مطالب امروز شما را در دو صفحه خلاصه کرده بنام شما در مجله دانشکده حقوق

۱ - محتوای این ماده عیناً در ماده ۴ پیش طرح تهیه شده در سومین کنفرانس

حقوق دریا منظور شده است. بنابراین موضوع آن از مسائل امروز حقوق دریاست.

منعکس‌سازم تا با قرائت آن دانشجویان بیکه کتاب خط منصف واصل تقابل را در دست دارند بهتر به مطالب آن پی ببرند. پیشنهاد دانشجوی کنجاو را بدین شرط پذیرفتم که خود بدین کارمبادرت کنم. اکنون برای انجام این مقصود ابتدا به نقل ماده مورد نظر و سپس فهرست وار به ذکر نتایجی که بر آن بار میشود می‌پردازیم.

طبق ماده ۶ قرار داد دریای ساحلی ۲۹ آوریل ۱۹۵۸ ژنود خارجی دریای ساحلی خطی است که فاصله هر نقطه آن از نزدیکترین نقطه خط مبداء برابر با عرض دریای ساحلی است.

منطقی ترین و بدون شک دقیق ترین طریقه تحقق بخشیدن بدین ضابطه حقوقی آنست که: از هر نقطه واقع در سراسر خط مبداء با توجه کامل به شکستگیها و تضاریس خط مزبور خطوط مستقیم و قائمی بعرض دریای ساحلی و تقریباً در امتداد یکی از دو خط تعیین کننده موقعیت جغرافیائی هر نقطه ترسیم کنیم و سپس انتهای خطوطی را که بدین طریق رسم شده است بهم پیوندیم.

ترسیم حد خارجی دریای ساحلی با توجه به نوسانات خط مبداء ( که علی لاصول نمودار شکل و جهت خط ساحلی است ) منتج به نتایج عینی و انکار ناپذیر زیر میگردد:

(۱) - خطی که در دریا از کار برد طریقه فوق ( موسوم به روش موازی ) بنام حد خارجی دریای ساحلی بوجود میآید انتقال و تصویر کاملی است از خط و جهت ساحل دولت در دریای ساحلی (۱). بعبارت دیگر خطی که هر نقطه آن باید به کوتاهترین فاصله یعنی بخط مستقیم بانقطه‌ای از خط شکسته و نوسان دار ساحلی متساوی الفاصله باشد خط شکسته نوسان داری است که در تمام طول خود جزء جزء به خط ساحلی تقابل و مشابهت مطلق دارد و همین تقابل و مشابهت مطلق است که وحدت فاصله بین سراسر دو خط مزبور را امکان پذیر میسازد. بدیهی است که چنین مشابهتی صرفنظر از فاصله‌ای که آن دو خط را از یکدیگر جدا میسازد ( عرض دریای ساحلی ) معمولاً شامل یکی از دو عامل تعیین کننده مختصات جغرافیائی جزء جزء آن دو نیز میشود (۲)

(۲) بنابراین دو خط ساحلی و حد خارجی دریای ساحلی را میتوان دو خط متشابه

---

(۱) - دو روش دیگر نیز برای انجام این مقصود وجود دارد که در فرصت مناسب دیگری بشرح آنها خواهیم پرداخت، آنچه در این جا میتوان گفت آنست که اولاً " هر روش تحدیدی متضمن محاسن و معایبی است و روش متوازی نیز از این واقعیت برکنار نیست.

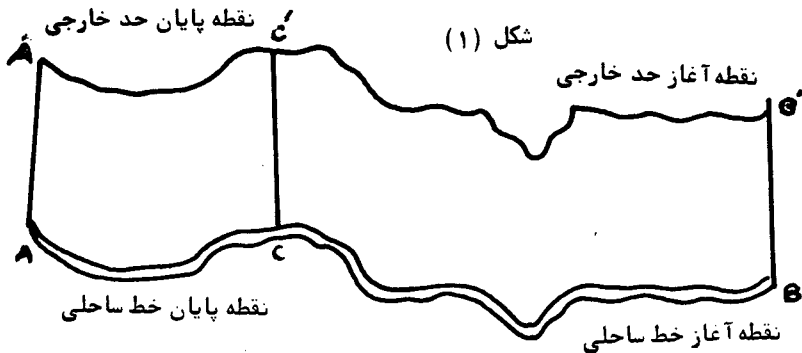
و متقابل خواند .

(۳) بهمین جهت هر نقطه ای از حد خارجی دریای ساحلی ( مثلا " نقطه  $C$  در شکل ۱ ) واقع در فاصله معینی از دو نقطه آغاز و پایان حد مزبور ( فاصله  $\widehat{BC}$  و  $\widehat{AC}$  در شکل ۱ ) بخطی مستقیم ( بطول عرض دریای ساحلی ) در برابر نقطه ای از خط ساحلی قرار میگیرد ( مثلا " نقطه  $C$  در شکل ۱ ) که همان دو فاصله مذکور در فوق را تا دو نقطه آغاز و پایان خط ساحلی حفظ میکند . ( عبارت دیگر در شکل ۱ فاصله  $CB = \widehat{BC}$  و فاصله  $AC = \widehat{AC}$  ) . چنین نقاطی را نقاط متقابل مینامیم . در پاره ای سواحل مدور گاه ممکن است تساوی درجات قوس جایگزین تساوی دو فاصله مورد اشاره در فوق گردد ( شکل ۲ ) . ( یا حتی بجای تساوی نسبت قابل محاسبه دیگری بین دو خط مزبور وجود داشته باشد ) .  
ثانیا " نکته ای که از لحاظ موضوع مورد بحث ما حائز کمال اهمیت است آنست که تحدید

خارجی دریای ساحلی بشرحی که در فوق آمده است روشی است سنتی که از قدیم مورد توجه مولفین بوده است چه  $G. G. IDK$  در صفحه ۵۰۴ جلد سوم کتابی که در سال ۱۹۳۴ راجع به حقوق بین المللی عمومی دریا نوشته است پس از بر شمردن معایب عملی روش موازی اظهار میدارد " معذالک چنین بنظر میرسد که این تنها روشی است که از طرف مولفین کتابهای عمومی حقوق بین الملل تجویز میشود " .

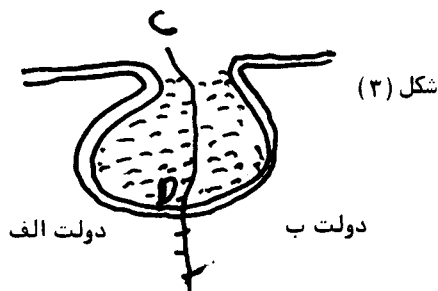
(۲) - اصطلاحاتی که در اینجا صرفا " بمنظور توجیه مسائل حقوقی بکار گرفته میشود گاه ممکن است از لحاظ معنا با مفاهیم قراردادی آنها در ریاضیات تطبیق نکند . بدین روی درک مسائل فوق مستلزم توجه بیشتری به معانی خاصی است که در متن برای اینگونه اصطلاحات منظور شده است تا بمفاهیم ناشی از اصطلاحات هندسی متداولی که ممکن است موجب نقض غرض گردد .

(۴) بجز موارد استثنائی هر نقطه ای واقع در داخل چهارچوب دریای ساحلی و محاط بین دو خط ساحلی و حد خارجی همین خصوصیت مدرج را حائز است یعنی نقطه ایست که بخط مستقیم دو نقطه متقابل در دو خط ساحلی و حد خارجی را بهم می پیوندد . در اینصورت بدیهی است که علی الاصول هر نقطه ای که حائز چنین خصوصیتی باشد جزء دریای ساحلی و در غیر این صورت خارج از آن میباشد .



(۵) بدین توصیف دریای ساحلی گسترشی است از خط ساحلی و جهت یا جهات احیاناً "مختلف و متفاوت آن بجهت مقابل آن در دریا و بهمین جهت تقابل ساحل و دریا ضابطه یا اصلی است مسلم و کلی که بنحوی اجتناب ناپذیر و قطعی از ماده ۶ قرار داد دریای ساحلی ۱۹۵۸. ناظر بر تحدید حد خارجی دریای ساحلی استخراج و استنباط میشود. (۶) چون طول خط ساحلی ( شکل ۱ - خط BA) و دو نقطه آغاز و پایان آن ( شکل ۱ - نقطه B و نقطه A ) و موقعیت جغرافیائی و هندسی این دو نقطه و جهت یا جهات احیاناً "مختلف خط ساحلی و درجه انحناء ساحل در پاره ای سواحل مدور مشخص و معلوم است و از طرف دیگر انتقال هر یک از دو نقطه آغاز و پایان خط ساحلی در محیط دریا کاری است که به کمک ضابطه تقابل و مختصات جغرافیائی آن دو نقطه سهولت و بوجهی دقیق امکان پذیر است کافی است که پس از انجام عمل اخیر هر یک از دو نقطه آغاز و پایان حد خارجی دریای ساحلی را بخط مستقیم ( بکوتاه ترین فاصله ) به نقطه آغاز و پایان خط ساحلی وصل کنیم تا در دو طرف دریای ساحلی ضلع حائسی دریای ساحلی که از پهلو این دریا را در بر میگیرد خود بخود و خواه ناخواه رسم شود و تحقق پذیرد ( شکل ۱ - خط BB' و خط AA' ) .

در اینصورت ملاحظه میشود که حد جانبی دریای ساحلی دو دولت محاور معمولاً "خطی است مستقیم - معذالک وقتی قسمتی از دریا در برابر ساحل دو دولت محاور قرار گیرد تقسیم این قسمت مشترک بوسیله نیمسازى صورت میگیرد که ممکن است خط مستقیم نباشد ( شکل ۳ - خط CD ) .



(۷) از مجموعه گفتار فوق چنین بر می آید که محتوای ماده ۶ قرار داد دریای ساحلی ۱۹۵۸ برخلاف آنچه تصور آن میرود سه عمل مهم انجام میدهد :

الف = حد خارجی دریای ساحلی یک دولت را تحدید میکند ( روش تحدید حد خارجی دریای ساحلی ) .

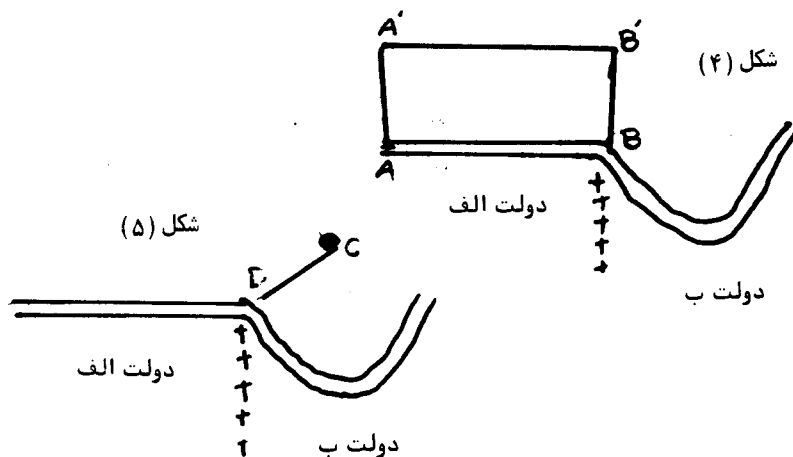
ب = حد یا مرز جانبی دریای ساحلی یک دولت را نیز با دولت محاور وی مشخص میسازد ( روش تحدید حد جانبی ) .

ج = تعریفی از ضابطه تقابل ساحل و دریا بدست میدهد که بوسیله آن میتوان ارزش حقوقی روشهایی را که از طرف بعضی مولفین برای تحدید حد جانبی دریای ساحلی پیشنهاد شده است یا تعبیر مشکوکی را که گاه از ماده ۱۲ قرار داد دریای ساحلی ۱۹۵۸ (۱) زانو

(۱) - ماده ۱۲ بند ۱ - در صورتیکه سواحل دو کشور متقابل یا مجاور یکدیگر باشند هیچ یک از دو کشور مزبور حق ندارد دریای ساحلی خود را از خط منصفی که هر نقطه آن از نزدیکترین نقاط روی خطوط مبدأ عرض دریای ساحلی دو کشور بیک اندازه است جلوتر برد مگر آنکه بین دو کشور مزبور برخلاف این اصل توافق شده باشد . معذالک مقررات این بند شامل مواردی نخواهد شد که بعلت سابقه تاریخی یا اوضاع و احوال خاص دیگر لازم باشد که حدود دریای ساحلی دو کشور بطریقی غیر از مقررات این بند تعیین شود . بند فوق به تنهایی ماده ۱۵ پیش طرح سومین کنفرانس حقوق دریا را تشکیل میدهد .

بعمل آمده است مورد بررسی قرار داد: مثلا "روش عمود مرزی و مسئله مشکوک کار برد خط منصف برای تحدید حد جانبی دریای ساحلی دو ساحل مجاوری که یکی از آن دو مستقیم و دیگری تورفته باشد. در مثال اخیر چنانکه در شکل (۴) ملاحظه میشود حد خارجی دریای ساحلی دولت الف بنا بر تعریف ماده ۶ قرار داد مورد نظر خط  $A'A$  و به تبع آن حد جانبی دریای مزبور نیز خط  $B'B$  میباشد. حال اگر تورفتگی یک ساحل را در کنار ساحلی مستقیم از جمله اوضاع و احوال خاصی بشمار نیاوریم که طبق ماده ۱۲ قرار داد دریای ساحلی ۱۹۵۸ ژنو کار برد روش دیگری غیر از خط منصف را برای تحدید حد جانبی دریای ساحلی ایجاب میکند و به تعبیری مشکوک در این مورد نیز خط منصف را به کار بندیم حد جانبی دریای ساحلی دولت الف خطی در حدود خط  $CD$  در شکل (۵) خواهد بود. بدیهی است که در این صورت هم تعارض و تناقضی بارز و غیر منطقی بین نتایج مترتب بر دو روش تجویز شده بوسیله یک قرار داد بوجود خواهد آمد و هم نتیجه چنین تحدیدی با ضابطه مسلم تقابل ساحل و دریا مغایرت محض خواهد داشت. واقعیاتی که بدان اشاره شد بهترین دلیل موجهی است بر اینکه هر جا بعلت تباین صوری دو ساحل مجاور کار برد خط منصف موجب نفوذ یک دولت بدریای ساحلی مقابل ساحل دولت دیگر شود: اولاً "باید از بکار بستن این روش اجتناب ورزید. ثانياً "باید بدین نکته توجه داشت که تقریباً "همه جا تحدید حد خارجی دریای ساحلی خود بخود موجب تحدید حد جانبی آن نیز میشود. ثالثاً "در صورتیکه بخواهیم روش خاصی را برای تحدید چنین دو ساحلی بکار بریم باید روشی را برگزینیم که با ضابطه تقابل و نتایج مترتب بر ماده ۶ قرار داد

دریای ساحلی ۱۹۵۸ ژنو هماهنگی داشته باشد و بنظر نگارنده عمود مرزی (البته در صورتیکه در ترسیم آن دقت کافی بکار رود) ممکن است دارای چنین خصوصیتی باشد (۱). در خاتمه فراموش نشود که اینهمه نتایج سودمند ناشی از همان ماده مربوط به حد خارجی دریای ساحلی است که معمولاً "بچشم بی اعتنائی بدان می نگرند".



(۸) بدیهی است که برای نظریات عرضه شده در فوق و نتایج آن که نسبت به چند فرض متبادر به ذهن صحیح می نماید فقط میتوان ارزشی نسبی قائل شد. بهمین جهت ممکن است موارد دیگری از فرضهای مختلف احتمالی یافت شود که به خصوصیات که در بالا بدان اشاره شده است تن در ندهد. در اینصورت اینگونه دریافتهای نسبی گامهایی خواهد بود در راه جستجوی واقعیت جامعتری که بعدها ممکن است اندک اندک و خود - بخود تجلی کند.

(۱) - رجوع شود به صفحه ۲۲ (متن و زیر نویس) کتاب "خط نصف واصل تقابل".